

[A Persian translation of the message of the Universal House of Justice dated
October 2019 to all who have come to honour the Herald of a new Dawn]

ترجمه‌ای از

پیام بیت العدل اعظم خطاب به
آنان که برای بزرگداشت مبشر بامدادی نوین گرد هم آمده‌اند
(هیئت بین‌المللی ترجمه به زبان فارسی)

اکتبر ۲۰۱۹

خطاب به آنان که برای بزرگداشت مبشر بامدادی نوین گرد هم آمده‌اند

دوستان عزیز و محبوب،

با هم بیندیشیم. هر زمان که یک مربی آسمانی در عالم ظاهر می‌شود، هیکل مقدّسی که تعالیمش برای قرون متمادی افکار و اعمال بشر را شکل خواهد داد، انتظار ما از چنان لحظه‌ی شگرف و تکان‌دهنده چیست؟

ظهور هر یک از این مربیان، بر طبق نصوص مقدّسه ادیان بزرگ عالم رویدادی است سرنوشت‌ساز که تمدن بشری را به پیش می‌برد. قوای محرکه روحانی منبعث از هر یک از این ظهورات در طول تاریخ موجب اتّساع دایره همکاری نوع انسان از خانواده به قبیله و سپس به دولت‌شهر، و ملت شده است. و هر یک از این مربیان بزرگ وعده دادند که در میقات معین هیکل مقدّس دیگری ظاهر خواهد شد که ظهورش را باید انتظار داشت و نفوذش عالم را تقلیب و اصلاح خواهد کرد. پس عجیب نیست که ظهور حضرت باب که اکنون دوستمین سالگرد میلادش را گرامی می‌داریم، چنان هیجان و تلاطم بی‌سابقه‌ای در زادگاه آن حضرت برانگیخت. لحظه ظهور آن حضرت مانند ظهور سایر هیاکل مقدّسه، موجد بروز سریع قوای روحانی قدرتمندی گردید، ولی صحنه‌ای برای تماشا به همراه نداشت. بلکه مکالمه‌ای بود در پاسی از شب گذشته در منزل مسکونی ساده‌ای بین یک طالب حقیقت و میزبان عالیقدر جوان که طی آن، میزبان آشکارا بیان داشت که او مربی آسمانی و همان موعودی است که مهمانش در جستجوی او بوده است. میزبان خطاب به مهمان گفت: "درست دقت کنید... چه اشکالی در این... تصوّر می‌کنید" که "من شخص موعود... باشم؟" این جوان حضرت باب بود که ما ظهورش را با شور و شغف گرامی می‌داریم، ظهوری که پس از گذشت هزار سال دیگر بار عالم انسانی را به انوار هدایت الهی روشن ساخت.

آن لحظه منشأ تمام رویدادهایی بود که متعاقباً به وقوع پیوست. آثار حضرت باب چون چشمه‌ای فیاض از قلم مبارکش جاری شد و حقایق عمیقی را فاش ساخت، خرافات حاکم در زمان خویش را مردود نمود، مردمان را

به درک اهمیّت عصر جدید تشویق فرمود، ریاکاری رهبران‌شان را شدیداً مورد بازخواست قرار داد، و عالم انسانی را به معیاری والا از رفتار و کردار فراخواند. در یکی از مهم‌ترین آثار مبارکش چنین اعلان فرمود: "یا اهل الارض لقد جائکم النور من الله... لتهدوا الى سبیل السلام ولتخرجوا من الظلمات الى النور باذن الله علی هذا الصراط الخالص ممدوداً...." نفوذ حضرت باب با سرعتی فوق‌العاده گسترش یافت و از ماورای مرزهای ایران نیز گذر نمود. ناظران از افزایش سریع تعداد پیروان آن حضرت و از شجاعت و جان‌فشانی بی‌نظیر آنان مبهور و متحیر گشتند. زندگی حضرت باب، کوتاهی دوران حیات مبارک و واقعه مصیبت‌بار و دلخراشی که آن را خاتمه داد، نفوس کنجکاو را بر آن داشت که به ایران سفر کنند و به جستجوی بیشتر پردازند، و الهام‌بخش ایجاد طیفی از آثار هنری در بزرگداشت آن حضرت گردید.

درخشندگی انوار حضرت باب وقتی جلوه‌ای فزون‌تر می‌یابد که تاریکی حاکم بر اجتماعی را که در آن ظهور فرمود در نظر آریم. ایران قرن نوزدهم از آن دوران با شکوهی که تمدنش رشک جهانیان بود بسیار به دور بود. حال جهل و نادانی غالب، تعصبات جاهلانه متداول، و فساد گسترده موجب شیوع بیشتر نابرابری و تبعیض بود. دین که پایه رفاه و سعادت گذشته ایران بود، عاری از روح نبأض گشته بود. هر سال که می‌گذشت فقط بر میزان سرخوردگی و یأس توده مردم ستم‌دیده می‌افزود. ظلم تام حاکم بود. در چنین زمانی حضرت باب چون رگبار بهار پدیدار شد تا عالم وجود را پاک و منزّه نماید، آداب و رسوم فرسوده عصری عنان‌گسیخته را ریشه‌کن کند، و غبار تیره از چشم بصیرت‌کسانی که اوهام و خرافات آنان را نابینا ساخته بزداید. اما حضرت باب مقصدی خاص داشتند. مقصد آن حضرت این بود که نفوس را برای ظهور قریب الوقوع حضرت بهاء‌الله آماده نمایند، دومین ظهور الهی که مقدر بود نور جدیدی بر عالم انسانی بتاباند. این آماده‌سازی، مؤکدترین موضوع مورد نظر آن حضرت بود. به پیروان خود چنین امر فرمود: "اذا اشرفت شمس البهَاء عن افق البقاء انتم فاحضروا بین یدی العرش."

بنا بر این حضرت باب و سپس حضرت بهاء‌الله حتی با شکوه و جلالی بیشتر، اجتماع و عصری غوطه‌ور در ظلمت را منور فرمودند. این دو طلعت نورا مرحله جدیدی را در تکامل اجتماعی آغاز کردند: مرحله اتحاد تمامی خاندان بشری. قوای روحانی که این هیاکل مقدسه در عالم سریان دادند، حیاتی جدید در همه میادین مجهودات بشری دمید، نتایج آن در تقلیب و تحوّل که از آن زمان تا به حال حاصل شده آشکار است. تمدن مادی پیشرفتی بی‌اندازه نموده، توفیقات شگرفی در علوم و فنون حاصل شده، و ابواب خزائن دانش انباشته بشری کاملاً مفتوح گشته است و اصول ارائه شده توسط حضرت بهاء‌الله برای تعالی و پیشرفت اجتماع و پایان دادن به نظام‌های انحصارطلب و تسلط‌گرا به نحوی گسترده مورد قبول واقع شده است. تعالیم آن حضرت را ملاحظه نمایید، یگانگی نوع بشر، یا برابری زن و مرد، یا لزوم تعلیم و تربیت همگانی، و یا اینکه تحرّی حقیقت بر اساس عقل و منطق باید بر فرضیّات واهی و تعصبات غلبه نماید. بخش عمده‌ای از اهل عالم اینک با این ارزش‌های بنیادین موافقند.

در عین حال، بحث و جدل علیه این ارزش‌ها نیز که سابقاً در حاشیه افکار جدی قرار داشت، اکنون در اجتماع افزایش یافته است و یادآور آنست که تحکیم آرمان‌ها، مستلزم تعهدات روحانی است. چه که فرق است بین تصدیق اصولی یک مطلب با قبول آن از صمیم قلب، و حتی مشکل‌تر از آن تغییر و اصلاح اجتماع است به نحوی که ابراز جمعی این ارزش‌ها کاملاً در آن منعکس باشد. اینست هدف جوامعی که در سراسر جهان با الگویی مبتنی بر تعالیم حضرت بهاء‌الله، در حال شکل‌گیری است. این جوامع می‌کوشند تا انوار آن تعالیم را بر آلام مزمونی که اجتماع را مبتلا ساخته معطوف سازند، و برنامه‌هایی عملی که متمرکز بر اصول روحانی است طرح‌ریزی نمایند. اینها جوامعی هستند که تحت هر شرایطی مروج و مدافع تعلیم و تربیت هم دختران و هم پسران‌اند؛ جوامعی که مروج مفهوم وسیع عبادتند که شامل انجام کار با روحیه خدمت است؛ جوامعی که به جای منافع شخصی به آرمان‌ها و اهداف روحانی ناظرند که بمثابة چشمه‌های همیشه فیاض انگیزه در جریان است؛ جوامعی که اراده برای تقلیب فردی و اجتماعی را ترویج می‌دهند. این جوامع خواهان ایجاد پیشرفتی همگام در امور روحانی، اجتماعی و مادی هستند. مهم‌تر از همه، اینها جوامعی هستند که تعهد به وحدت عالم انسانی در ضمیرشان مندمج است. این جوامع تنوع ارزشمندی را که جمیع اقوام نوع انسان نمایانگر آن است ارج می‌نهند در حالی که معتقدند که هویت یک شخص به عنوان عضوی از اعضای نوع بشر بر سایر هویت‌ها و ارتباطات تقدم دارد. آنها نیاز به یک آگاهی جهانی منبعث از توجه مشترک به رفاه و سعادت بشر را تأیید نموده همه مردمان کره ارض را برادران و خواهران روحانی می‌شمرند. پیروان حضرت بهاء‌الله صرفاً به تعلق خویش به چنین جوامعی اکتفا ننموده مستمراً از نفوس هم‌فکر دعوت می‌نمایند تا در یادگیری نحوه اجرای تعالیمش به آنان پیوندند.

این نکته ما را به اصل مطلب می‌رساند. موضوع مورد بحث موضوع خطیری است که مستلزم صراحت و صداقت می‌باشد. نهضت‌ها و اهداف شریف و قابل ستایش در عالم بسیار است که هر یک از دیدگاه خاص برخاسته و هر یک شایستگی خود را داراست. آیا امر حضرت بهاء‌الله صرفاً یکی از این نهضت‌ها است یا آنکه امری است جهان‌شمول و در برگیرنده عالی‌ترین آرمان‌های تمامی نوع بشر؟ امری که مقرر است سرچشمه عدالت و صلح پایدار، نه برای یک محل و یا یک ملت بلکه برای همه جا و همه کس باشد، می‌بایست فیاض و دارای قوه‌ای ملکوتی باشد که آن را قادر سازد تا از همه محدودیت‌ها فراتر رفته جمیع جوانب زندگی بشر را در برگیرد. نهایتاً باید از چنان نیرویی برخوردار باشد که قادر به تقلیب قلوب گردد. لذا شایسته آنکه همانند مهمان حضرت باب با دقت تأمل نماییم. آیا امر حضرت بهاء‌الله حائز همین خصوصیات نیست؟

اگر تعالیم حضرت بهاء‌الله تعالیمی است که موجب ارتقای بشریت به عالی‌ترین سطوح وحدت می‌گردد، پس انسان باید با روح و روان خویش جوای پایس صحیح گردد. انبوه مردمی که مقام حضرت باب را شناختند به دلاوری و شجاعت دعوت شدند و پاسخ شکوهمند آنان به این دعوت ثبت تاریخ است. شایسته آنکه هر نفسی که نسبت به اوضاع جهان و شرارت‌های مداومی که موجب مصائب فراوان و انحراف زندگی اهل عالم شده است بیدار و هوشیار گردیده، به ندای حضرت بهاء‌الله برای قیام به خدمت خالصانه و بی‌وقفه توجه تام مبذول دارد: این

است مفهوم دلآوری و شجاعت در عصر حاضر. چه اقدام دیگری به جز تلاش نفوس بیشماری که هر یک سعادت و آسایش نوع بشر را هدف اصلی و برتر زندگی خود قرار دهند می‌تواند عالم را نجات دهد؟

[امضا: بیت العدل اعظم]